

در کنار برخی دیگر از سفرنامه‌های معمولی قرار می‌گرفت. بنابراین بخش عمده آنچه برای کتاب رخ داد همان یادداشت رهبری انقلاب است. فارغ از این که درست است یا خیر، خواننده‌های کتاب باید قضاوت کنند این کتاب حال و هوای معنوی دارد یا نه، نشان دهنده شوریدگی نویسنده در مواجهه با مراسم حج هست یا نیست؟

من نمی‌توانم خودم را اثبات کنم آنچه بهبودی نوشته را باید خواننده کتاب بپذیرد. من دست نقادان را نمی‌بوسم اما هیچ اشکالی بر نقد آنها وارد نمی‌بینم؛ چون حق دارند درباره کتاب به نیکی یا بدی یاد کنند.

۱ بازخورد خواننده سفر به قبله چه بوده است؟

من نشنیدم و ندیدم کسی کتاب را خوانده باشد و از آن خوشش نیامده باشد. با این که ۲۶ سال از تألیف کتاب گذشته است، هنوز هم رگه‌هایی از تازگی در آن یافت می‌شود. به نظر من، برخی یادداشت‌ها و نوشته‌هایی تاریخ هستند و هر زمان خوانده شوند، حال و هوای خود را حفظ می‌کنند. بخشی از سفر به قبله همچنان بی‌تاریخ مانده است.

۲ توانستید شوریدگی سفر را به خواننده منتقل کنید؟

من نه تأیید می‌کنم و نه رد! خواننده باید بگوید.

۳ با توجه به نگاه سیاسی که به حج داشته‌اید، چه پاسخی به منکران سفر حج و طرفداران تحریم حج می‌دهید؟

من پاسخی ندارم چون خودم به نتیجه‌ای نرسیدم که دولتی‌ها راست می‌گویند که حج قابل تعطیل شدن نیست یا ملت. نمی‌خواهم دولت و ملت را مقابل هم قرار دهم. برخی از منتقدان، به تحریم حج توسط امام استناد می‌کنند یا به عرفا تکیه می‌کنند اما من به نتیجه‌ای نرسیدم که بخواهم به این سؤال مردم پاسخی بدهم.

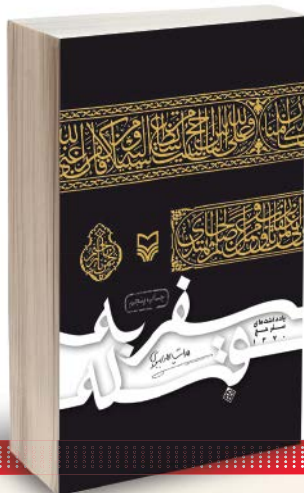
۴ به کتابی که ۲۶ سال از عمر آن می‌گذرد چه نمره‌ای می‌دهید؟

من به این کتاب انتقاد دارم. از این زاویه که من کتاب روز شمار تاریخ معاصر ایران را نوشته‌ام، زمان و توان بسیاری از من گرفته و کتاب بسیار مهمی است، چرا مورد توجه واقع نشده اما این جزوه ۶۰ صفحه‌ای چنان مورد توجه است که الان من و شما مقابل هم نشستیم و درباره آن حرف می‌زنیم.

من از این بابت ناراحتم اما این دست من نیست. این تقدیری است که بر پیشانی کتاب نوشته شده است. از این بابت دلم نمی‌خواهد به این کتاب نمره بدهم! به هر حال نمره بالای ۱۵ می‌دهم.

۵ خیلی متوسط است!

به نظر من خیلی خوب است. شما ۱۵ قدیم در نظر بگیرید!



با هدایت... بهبودی درباره کتاب «سفر به قبله»:

به کتابم نمره ۱۵ می‌دهم، البته ۱۵ قدیم!



نازلی مروت
خبرنگار
قدس آنلاین

«سفر به قبله» یکی از سفرنامه‌های حج است که بعد از ۲۶ سال از تألیف آن بارها تجدید چاپ شده و هنوز هم خواندنی است. سبک نوشتاری «بهبودی» که تلفیقی از تحلیل‌های سیاسی حج و نگرش‌های معنوی اوست، این کتاب را به اثری خواندنی تبدیل کرده است. هدایت... بهبودی نویسنده‌ای که با آثاری چون «شرح اسم»، «الف لام خمینی» و «سفر به قبله» بیشتر شناخته می‌شود، درباره سفرنامه حج خود به سؤالات ما پاسخ گفت.

۱ سفر به قبله را در ردیف سفرنامه‌ها قرار داده‌اند اما محتوای آن مجموعه یادداشت‌های تحلیلی نویسنده از سفر حج است. چه نگاهی به فرضیه حج در این کتاب داشته‌اید؟

من سفر به قبله را سفرنامه می‌دانم زیرا به طور طبیعی هرکسی که ماجراهای اطراف خود را می‌بیند، نوعی واکنش نشان می‌دهد، کسی که کاغذی را مقابل خود قرار می‌دهد و شروع به سیاه کردن آن می‌کند و به عبارتی نویسندگی می‌کند یا نوشتن به جهان پیرامون خود واکنش نشان می‌دهد. هرکسی که به سفر حج می‌رود و با نادیده‌ها و پدیده‌های سفر حج مواجه می‌شود، طبعاً نسبت به آن رویدادها واکنش نشان می‌دهد. وقتی من نویسنده در این فضا قرار گرفتم، بزرگی‌های سفر مرا به واکنش واداشت.

سفر به قبله، نتیجه همین نگاه و واکنش به سفر حج و رویدادهای آن است که نوعی بی‌ارادگی غیر مذموم، عشق، حیرت و تعجب در آن وجود دارد، زمانی که این فاکتورها کنار هم قرار گرفت، سفرنامه‌ای خلق شد که شما از آن به یادداشت‌های تحلیلی یاد می‌کنید. گرچه من تمنایی برای تحلیل آنچه دیده بودم نداشتم، اما برخی مسائل سیاسی و اجتماعی به کندوکاو و تحلیل نیاز دارد. اما درباره سایر مراسم حج تحلیلی نداشتم و آنچه را بر ذهن و دلم گذشته بود، مکتوب کردم.

۲ برخی سفرنامه‌ها نگاهی کاملاً روایت‌گونه از رویدادهای سفر حج است. شما زمانی که تصمیم به نگارش سفر به قبله گرفتید، سبک خاصی برای نگارش در نظر داشتید یا با توجه به شرایط و فضای موجود شروع به نوشتن کردید؟

من دنبال ایجاد سبک، ترسیم یک چارچوب و ریختن حرف‌هایم در آن چارچوب نبودم. درباره سفر به قبله، چارچوب و محتوا خود به خود به وجود آمد. به نظر من این یک زایش طبیعی است.

من دچار رستم‌زایی و سزارین نیستم که بخواهم تقلید کنم. آنچه در این کتاب آمده خود هدایت... بهبودی است، نقش بازی نکردم. یادم هست مرحوم نادر ابراهیمی، بعد از مطالعه کتاب با لحنی تند و انتقادی به من گفت «تو داری ادای جلال آل احمد را درمیاری!». به ایشان گفتم من آن کتاب را نخوانده‌ام و چرا باید ادای جلال را در بیاورم؟ اصل کتاب که هست، چرا باید فرع آن باشم؟ چه ارزشی دارد؟ ضمن این که جلال کجا و من کجا! نیازی به تقلید و بازی کردن نقش برای نویسنده وجود ندارد و این قضیه در این کتاب به وقوع نپیوسته است.

۳ در بخشی از کتاب به ابعاد سیاسی حج پرداختید. چه رویکردی در این بخش داشته‌اید؟

من در اولین سفر حج بعد از کشتار حجاج ایرانی در سال ۶۶، به حج مشرف شدم. همه ایرانیانی که در آن سال به مراسم حج آمده بودند، نگاهی سیاسی و کنجکاوانه به سفر زیارتی داشتند. من نیز با همین نگاه به اطرافم، تبلیغات، رفتارها و آدم‌ها نگاه می‌کردم. طبیعی است که نوع نگاه مرا تحت تأثیر قرار می‌داد و نوشته‌های من هم جنبه سیاسی پیدا کرد و موجب شد از این مسائل هم بنویسم.

۴ آن حج متفاوت چه خاطراتی را برای هدایت... بهبودی رقم زد؟

هیچ خاطره‌ای! همان بود که گذشت.

۵ برخی از منتقدان سفر به قبله معتقدند این کتاب بعد معنوی را به مخاطب خود منتقل نمی‌کند اما شما کتاب را نتیجه شوریدگی خود در حج دانسته‌اید. چه پاسخی به منتقدان خود دارید؟

اگر این کتاب مورد توجه رهبر معظم انقلاب واقع نمی‌شد و ایشان حاشیه‌ای بر آن نمی‌نوشتند، چه بسا چاپ‌های مکرر را به خود نمی‌دید، مورد توجه واقع نمی‌شد و



درباره یادداشت رهبر معظم انقلاب بر کتاب «سفر به قبله»

برسد که اثر خوب را بشناسد. باید زمانی برسد که تابلوهای راهنمایی که رهبر معظم انقلاب برای خواندن کتاب می‌کارند، نشان دهنده راه باشد نه این که بایستیم و این تابلوها را نگاه کنیم. مسیر راه را نشان می‌دهند که رفتن را یاد بگیریم نه این که در برابر تابلوهای راهنمای ایشان توقف کنیم، این تلقی من از یادداشت‌هایی است که رهبر معظم انقلاب در برخی کتاب‌ها نوشته‌اند و باعث بالا رفتن فروش آنها شده است و باعث دلخوری

دیده شدن یک اثر چه نزد خواننده خاص و چه عام برای نویسنده مهم است. این خواننده خاص وقتی رهبر یک کشور باشد، توجه‌ها مضاعف می‌شود. نکته‌ای که بین کتابخوان‌هایی که نسبتی با انقلاب دارند، تبدیل به یک مسأله شده است، این که اگر رهبری به کتابی توجه کنند بیش از کتاب‌های دیگر توجه می‌کنند. این اتفاق در جای خود اشکال نیست و حُسن هم نیست. آرمان من این است که هرکسی باید به حدی از رشد و بالندگی

صاحبان برخی کتاب‌های دیگر که چرا کتاب‌های ما مورد توجه قرار نمی‌گیرد. باید به مرحله‌ای از رشد برسیم که نیاز نباشد، رهبری برخی آثار را با انگشت نشان بدهند. نویسندگان سنت سفرنامه‌نویسی را حفظ کنند؛ زیرا تأثیر مثبت دارد. هرچه تعداد سفرنامه‌ها بیشتر باشد، حق انتخاب مردم برای کتابخوانی بیشتر می‌شود. فارغ از این که به چه سبکی و شبیه چه کسی بنویسند، خود را از محدودیت‌ها رها کنند و خودشان باشند و هرچه را حج بر آیین دل آنها می‌تاباند، منعکس کنند و دست‌کاری نکنند تا متقابلاً بر صفحه دل مخاطب نیز بنشیند.

باید به مرحله‌ای

از رشد برسیم

که نیاز نباشد

رهبری برخی آثار را

با انگشت نشان

بدهند